

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Spatial Representation of Power Tolerance in Isfahan City during
the Safavid Era (Case study: Allahverdikhan Bridge)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

ترجمان فضایی تسامح قدرت در اصفهان عصر صفوی
(مطالعه موردی: پل اللهوردی خان)

غزاله حنایی^{۱*}، داراب دیبیا^۲، حامد عابدینی^۳

۱. دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۲. دکتری معماری، استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۶

چکیده

بیان مسئله: با ظهور سلسله صفوی، عصر جدیدی از مدنیت و پیشرفت در شهر اصفهان آغاز شد. پایداری اقتصادی و سیاسی، به همراه برقراری توازن بین نیروهای اجتماعی، مذهبی و حاکمیتی، زمینه ساز تحول بنیادین در ساختار شهری، روابط اجتماعی و مناسبات شهرنشینی اصفهان شد. از این رو، شهر شکل نوینی به خود گرفت و بستر لازم برای حیات اجتماعی پرتحرک در قالب رویدادهای جمعی با نگرش‌های متنوع ایجاد شد، که نتیجه آن شکل‌گیری گستره قابل توجهی از فضاهای جمعی در گونه‌های مختلف از جمله پل‌های شهری بود. بدین ترتیب پل اللهوردی خان، با تحولات کارکردی و کالبدی، به محل تجمع، تفرج و تعامل شهری بدل شده بود و نقشی مهم در مناسبات قدرت در شهر ایفا می‌کرد.

هدف پژوهش: هدف این پژوهش بررسی تأثیر ارتباط دولت صفوی با ملت، مذهب و شهر بر شکل‌گیری فضاهای جمعی اصفهان به‌ویژه پل اللهوردی خان است تا بر این مبنای جایگاه کانونی این پل در مناسبات قدرت صفوی در پیوند با سایر مؤلفه‌ها در شهر اصفهان تبیین شود.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع کیفی است و با روش تفسیری-تاریخی، و با مطالعه منابع کتابخانه‌ای، به بررسی و تحلیل مفاهیم مرتبط با اهداف پژوهش می‌پردازد.

نتیجه‌گیری: ماحصل بررسی‌ها بیانگر نقش ویژه حاکمیت صفوی به جهت مشروعیت‌بخشی به ساختار قدرت (استحکام پایگاه مذهبی و مردمی) در روند رونق روابط اجتماعی و شکل‌گیری فضاهای جمعی به‌ویژه در پل اللهوردی خان است. تعامل و تسامح دستگاه حاکمیتی، به‌منزله پایگاه اصلی قدرت، در نسبت با مذهب، جامعه، و شهر موجب شکل‌گیری نوعی فضای اصل میان دولت و ملت (فضاهای جمعی) و برقراری توازن میان آن‌ها شده است. بر این اساس، پل اللهوردی خان، به‌منزله فضایی جمعی، از حیث جایگاه و نقشی که در ساختار شهری اصفهان عصر صفوی دارد، کانون تسامح قدرت و توازن اجتماعی بوده است.

واژگان کلیدی: عصر صفویه، تسامح و تساهل قدرت، شهر اصفهان، توازن اجتماعی، فضای جمعی، پل اللهوردی خان.

* نویسنده مسئول: hanaeighazale@gmail.com، ۰۹۱۲۹۳۴۶۱۶۶

مقدمه و بیان مسئله

انتخاب اصفهان به‌منزله پایتخت در عصر صفوی این شهر را، که در برخی دوره‌های قبل‌تر تاریخ ایران نیز نقشی مهم داشت، مجدداً در کانون توجه قرار داد. در این برهه تاریخی، چهره شهر دگرگون شد و باز نمودی منحصر به فرد از رشد و ترقی در ساختار شهر و شهرنشینی سرزمین ایران به منصف ظهور رسید. توسعه روابط اجتماعی در لایه‌های مختلف جامعه، نحوه استقرار دستگاه حاکمیت در شهر، و جایگاه ویژه مذهب در فضاهای شهری و روابط میان افراد، از یک‌سو، و هم‌نشینی متقابل جامعه شهرنشین و شاه در سایه مؤلفه مذهب، از سوی دیگر، روح تازه‌ای به قواعد شهری دمید و زمینه‌ساز تحولات ساختاری و نوین اصفهان همراه با رشد مدنی آن شد.^۱

قدرت به‌مثابه چیدمان عناصر سیاسی و اقتصادی، و یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بافت شهر (معمدی‌مهر و رحمت، ۱۳۹۰، ۷۶)، به سازمان کالبدی و فضایی شهر شکل می‌دهد؛ در تحول شهری اصفهان نیز پایگاه قدرت صفوی نقش اصلی را ایفا کرد و این امکان برایش فراهم آمد که آرمان شهری بر مبنای اصول و عقاید سیاسی-مذهبی خود (حبیبی، ۱۳۷۷، ۴۸) ایجاد کند. تغییرات اصفهان عصر صفوی، در لایه‌های مختلف، متأثر از ساختار قدرت و ارتباط آن با صورت‌بندی‌های مختلف اجتماع انجام می‌پذیرد که آمیزه‌ای از کنش‌های مذهبی، سیاسی و اقتصادی است و هم‌ریشه در سنت‌های پیشین سیاست و قدرت در ایران دارد و هم برخی از اقتضائات نوین (الهیاری، ذهابی و کجیاف، ۱۳۹۸، ۴۸) را ایجاد می‌کند. بر این مبنای شهر که در گستره سرزمین ایران همواره انتظام آن از بیرون بر آن اعمال می‌شود (Ardalan & Bakhtiar, 1975)، به‌مثابه بستر بازتولید قدرت صفوی رنگ‌وبویی ویژه به خود می‌گیرد. عموم تحولات شهر، که با مداخله حکومت صفوی رخ می‌دهد، از پایگاه قدرت صفوی و مواجهه آن با اجتماع، مذهب و بستر شهر متأثر است. این دگرگونی شهر و تحول ساختاری آن، به‌همراه ثبات نسبی سیاسی و رشد اقتصادی که موجب توسعه شهر و شهرنشینی می‌شود (فروتین، ۱۳۸۸، ۱۰۴)، زمینه‌های لازم برای پیدایش بناهای شهری متعدد با کاربری‌های گوناگون را فراهم می‌سازد. از طرف دیگر، حکومت با هدف برقراری تسامح مذهبی و اجتماعی، به رخدادها و گردهمایی‌های مردمی جهت می‌دهد تا ضمن تقویت جایگاه خود بستر لازم برای تعامل بین سه پایگاه مردم، مذهب و حکومت برقرار شود؛ لذا این بناها غالباً کاربری جمعی پیدا می‌کنند.

پیامد این روند توسعه معماری‌های شهری در اصفهان عصر صفوی به‌منزله نمود ویژه‌ای از تاریخ ایران است (Pourjafar, Amini, Varzaneh & Mahdavinejad, 2014, 11). این

روند، تحت تأثیر حضور رودخانه زاینده‌رود در مجاورت شهر اصفهان، سبب تحول و تکامل نقش پل از کارکرد گذر صرف به فضای جمعی و بستر فعالیت‌های اجتماعی در اصفهان عصر صفوی می‌شود (منصوری، حنایی، دیبا و دیباغ، ۱۳۹۹، ۸). از مصادیق این تحول پل الله‌وردی‌خان (۱۰۱۱ ه.ش، در زمان شاه عباس اول) است که با موقعیت کانونی و جایگاه مهمی که در ساختار جدید شهری اصفهان دارد نمونه منحصر به فردی از پل-فضای جمعی را به منصف ظهور می‌گذارد. هدف این پژوهش، در وهله اول، بررسی تحولات پایگاه قدرت صفوی و ارتباط آن با اجتماع، مذهب و شهر است، اموری که زمینه تحول عملکردی پل را به همراه داشتند؛ و سپس، با بررسی سیر تحول کارکردی پل الله‌وردی‌خان در بستر تاریخی و جغرافیایی آن، به خوانش نقش این پل در مناسبات قدرت می‌پردازد و در پی آن است که به پرسش زیر پاسخ دهد:

– جایگاه پل الله‌وردی‌خان در نظام شهری اصفهان عصر صفوی در نسبت با تعاملات قدرت با جامعه، مذهب و شهر چیست؟

پیشینه پژوهشی

نظر به مطالعات پیشین در باب اجتماع، شهر و ارتباط میان دولت و ملت در دوران صفوی، موضوع این پژوهش بدیع است؛ اما مطالعات و مبانی آن با پژوهش‌های مختلفی که در باب اجتماع و فضاهای عمومی اصفهان عصر صفوی انجام شده مرتبط است و رهیافت‌های پژوهش در جهت نیل به اهداف و پاسخ به پرسش پژوهش از این پیشینه مستخرج می‌شود. این بخش از منابع در دسته‌بندی جدول ۱ ارائه شده است.

روش پژوهش

مبحث اصلی این پژوهش عنصری شهری است (پل الله‌وردی‌خان) که ارتباطی چندلایه با بستر تاریخی خود دارد. بر این مبنای رویکرد این پژوهش کیفی و تاریخی است؛ لذا با روش تفسیری-تاریخی و مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به مطالعه و واکاوی زمینه تاریخی مربوطه و نقش مناسبات قدرت در آن می‌پردازد و، با روش تحلیلی-توصیفی و کنکاش مطالعات صورت گرفته، اهداف پژوهش را به‌منظور پاسخ به پرسش پژوهش ره‌گیری می‌کند. این روند مطالعاتی و پژوهشی در تصویر ۱ ارائه شده است.

مبانی نظری

• پایگاه قدرت صفوی

ارکان هر ساختار حکومتی غالباً تعیین‌کننده نحوه اعمال قدرت آن است، و مشروعیت‌بخشی به آن ارکان توسعه

جدول ۱. منابع پیشینه پژوهشی. مأخذ: نگارندگان.

نوع منبع	مؤلف	عنوان	موضوع	تشریح پیشینه مطالعاتی
سفرنامه	دلاواله (۱۳۸۴)	سفرنامه پیترو دلاواله	توصیفات از شهرهای ایران، مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آداب و رسوم ایرانیان و وضعیت هنر	گزارش سفرنامه‌ها در ارتباط با فعالیت‌های اجتماعی مردم در شهر و نحوه ارتباط میان ارکان قدرت، از منابع و مآخذ و دستاوردی است که مبنای تحلیل ساختار روابط اجتماعی و نقش حکومت در آن قرار می‌گیرد.
	تاورنیه (۱۳۶۳)	سفرنامه تاورنیه	شامل پنج کتاب درباره وضعیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران	
	شاردن (۱۳۳۶)	سفرنامه شاردن	بررسی دقیق اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران به همراه تصاویر نفیس از ابنیه و البسه	
	کمپفر (۱۳۶۳)	سفرنامه کمپفر	یکی از موثق‌ترین منابع عصر صفوی در خصوص تاریخ هنر و معماری ایران	
	فیگوئروا (۱۳۶۳)	سفرنامه فیگوئروا	شرح وضع جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی ایران در عصر شاه عباس و خلیفات پادشاه	
	Sherley (1972)	Sir Antony Sherley, His Relation of His Travels in Persia	توصیف راه‌ها، خصوصیت پادشاه و وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	
	Olearious (1669)	The travels of John Albert de Mandelslo	یک اثر جامعه‌شناختی تاریخی حاوی توصیف آداب و رسوم متنوع ایرانیان، آموزش، و مشاغل	
کتاب	سانسون (۱۳۴۶)	سفرنامه سانسون؛ وضع اجتماعی کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی	گزارشی دقیق در ارتباط با آداب و اخلاق و حکومت ایران در عهد شاه سلیمان صفوی	کتب دست‌اول که به‌عنوان منابع هم‌دوره با عصر صفوی به ارائه گزارش از اوضاع ایران در این دوره می‌پردازند و در ادامه آن‌ها منابع معاصر که تحلیل‌هایی ویژه و نو درباره زمینه‌های مختلف ایران در عصر صفوی ارائه می‌کنند.
	اسکندر بیک منشی (۱۳۷۷)	تاریخ عالم‌آرای عباسی	درباره رخدادها و سلسله صفوی از آغاز تا مرگ شاه عباس اول	
	بی‌نا. (۱۳۵۰)	عالم‌آرای صفوی	تاریخ پادشاهان صفوی از شاه اسماعیل تا شاه عباس اول، توصیف جامع اوضاع اجتماعی ایران	
	سیوری (۱۳۷۸)	ایران عصر صفوی	بررسی و مطالعه چگونگی به‌قدرت‌رسیدن صفویه	
	Newman (2006)	Safavid Iran: Rebirth of a Persian Empire	ارزیابی جایگاه صفویان در تحولات و شکوفایی فرهنگ ایران؛ نگرشی جدید به ظهور و سقوط صفویان	
	همایون کاتوزیان (۱۳۹۱)	تضاد دولت و ملت؛ نظریه تاریخ و سیاست در ایران	ارائه نظریه حکومت خودکامه و بررسی نظریه عمومی فره ایزدی و حق الهی پادشاهان	
	روحی (۱۳۹۷)	اصفهان عصر صفوی؛ سبک زندگی و ساختار قدرت	خوانش شرایط اجتماعی، سیاسی دوره صفویه و واکاوی نقش قدرت بر روابط اجتماعی، اقتصادی و سایر مناسبات	
مقاله	یزدان‌فر و بهزادفر (۱۳۹۶)	مداخلات طبقه قدرت و تأثیر آن بر ساختار شهر اصفهان در دوره شاه عباس صفوی	بررسی شیوه‌های مداخله حکومت و شخص شاه عباس صفوی بر ساختار شهر اصفهان	نتیجه پژوهش‌های اخیر در ارتباط با ساختار قدرت و تأثیر آن در شهر و روابط اجتماعی، به‌عنوان پیش‌زمینه موضوع واکاوی نقش قدرت و مناسبات آن در مداخلات شهرسازی و معماری عصر صفوی مورد نظر است.
	لوفی، سپهری‌مقدم و حبیب (۱۳۹۶)	بازشناسی مفهوم تعامل میدان و باغ‌های سلطنتی (دولت‌خانه‌های دوره صفویه)؛ بررسی رابطه دوسویه فضای عمومی با قدرت متمرکز	بازشناسی نقش فضای عمومی میدان در رابطه با گفتمان قدرت متمرکز	
	معتدی‌مهر و رحمت (۱۳۹۰)	کنش‌های هندسه قدرت بر ساخت کالبدی فضاهای سلطنتی (مقدمه‌ای بر تبارشناسی مجموعه دولت‌خانه صفوی اصفهان)	بررسی سیر تحولات فضایی دولت‌خانه در ایران تا دوره صفوی و تأثیر آن در سازمان فضایی شهر	
	اسماعیلی؛ احمدی و صفت‌گل (۱۳۹۲)	بررسی کارکردهای مختلف مساجد در عصر صفویه	بازخوانی نقش مساجد و علمای شیعه در مدیریت رفتارهای اجتماعی و برجسته‌سازی اندیشه‌های سیاسی	
	اهری (۱۳۹۰)	شهر، جشن، خاطره، تأملی در نسبت فضاها و جشن‌های شهری در دوران صفویان و قاجاریان	مطالعه جشن‌ها و رویدادهای مختلف در شهر صفوی	
بایان‌نامه	حسن‌شاهی (۱۳۹۵)	هنر و قدرت در عصر صفوی	بررسی تعادل دوجانبه و دوسویه میان دو مقوله هنر و قدرت و واکاوی نقش سیاست و قدرت در ایجاد آثار هنری دوران صفوی	

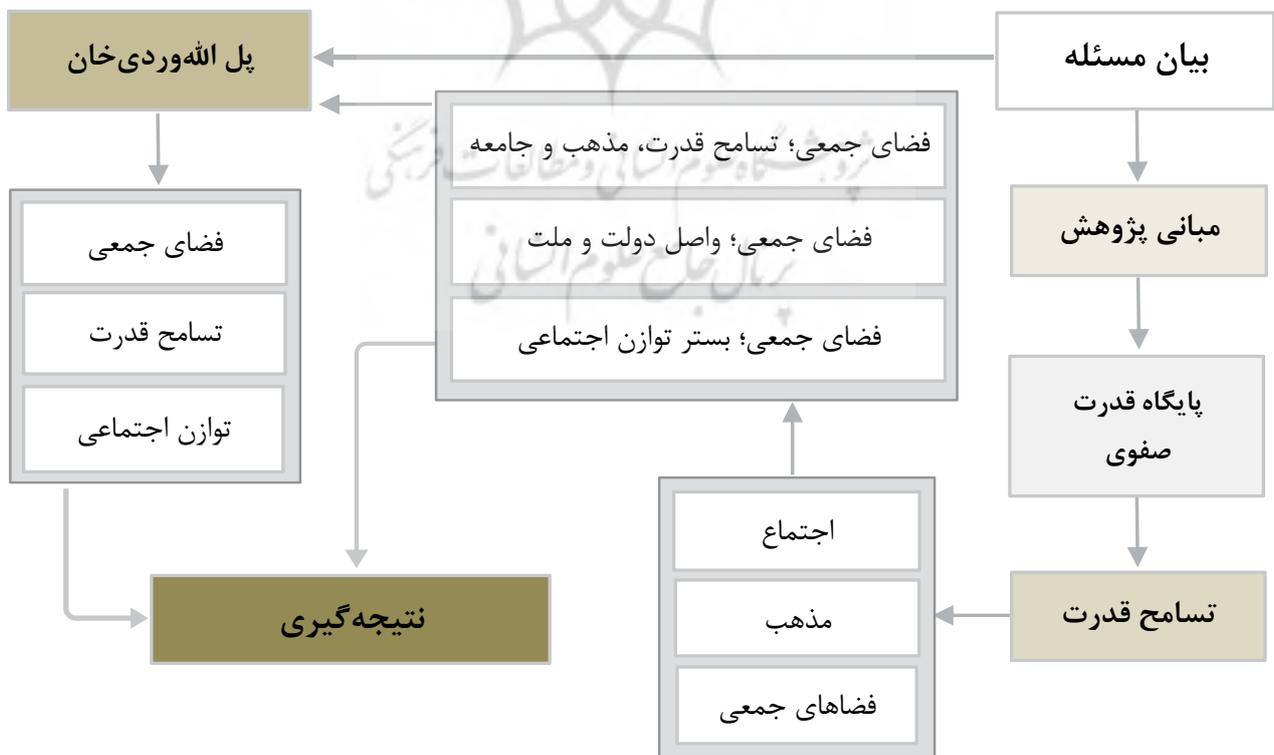
• تسامح قدرت در عصر صفوی

اقتضائات سیاسی و مناسبات قدرت در عصر صفوی گونه‌ جدیدی از نظام‌های حاکمیتی را در سرزمین ایران پدید آورد. صفویان سعی داشتند با اتخاذ راهبردهای مختلف، ضمن اعمال قدرت و نفوذ در نظام تحت امر خود، تعاملی در جهت تحقق اهداف حکومتی ایجاد کنند. این تعامل در بخش‌هایی از تاریخ صفویه به حد مطلوب خود رسید و منجر به تسامح قدرت شد. اتخاذ رویکردهایی معطوف به توسعه با درپیش گرفتن تسامح دینی، جایگزین کردن نیروهای غیرایرانی به جای ایرانی‌ها در رأس نهادهای مهم، و اتخاذ شیوه‌های مناسب در برابر نهاد مذهب و علمای شیعه (الهیاری و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۹)، از جمله این قبیل راهبردهاست. صفویان، ضمن استفاده از چهره رسمی و سخت قدرت، هوشمندانه در تلاش بودند چهره خرد و منتشر قدرت را نیز در نظام گفتمانی خود وارد کنند (اکوانی، ۱۳۹۷، ۹) و مناسباتی با لایه‌های مختلف اجتماع برقرار سازند؛ این نحوه برخورد و مواجهه در سه سطح مورد بررسی قرار گرفته است:

- قدرت-جامعه

ارتباطات عمومی همواره نقش مهمی در اقتدار سیاسی حکومت ایفا می‌کند (حقیقی بروجنی، یزدان‌فر و بهزادفر، ۱۳۹۶، ۵۶). از این منظر، قدرت در لایه‌های مختلف

قدرت در ساختار جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این امر به صورت نوعی نظام هویتی واجد اعتبار در میان توده مردم برای انسجام بخشیدن به ساحت‌های اجتماعی و سیاسی بروز می‌کند (اکوانی، ۱۳۹۷، ۹). صفویان نیز، با اتکا بر سه رکن اصلی و بنیادین نظریه حق الهی پادشاهان ایرانی، مذهب تشیع و مقام پادشاهان صفوی به منزله مرشد کامل پیروان طریقت صوفیه (سیوری، ۱۳۷۸، ۱۵)، در پی استحکام نظام حاکمیتی خود در میان توده مردم بودند. این ارکان مبنای پایگاه قدرت قلمداد می‌شدند و به دنبال آن شاه جایگاهی ویژه در میان مردم می‌یافت: «سلاطین این سلسله از جهت اینکه خود را اولاد پیغمبر می‌دانند این امتیاز را دارند که مردم ایران آن‌ها را معصوم می‌دانند» (سانسون، ۱۳۴۶، ۱۶۸). شکل‌گیری حاکمیت صفوی بر اساس این سه رکن حیات دوباره‌ای به سرزمین ایران بخشید و، با استقلال سیاسی و مذهبی، زمینه شکل‌گیری وحدت ملی و تسری آن فراهم شد (اشراقی و علوی، ۱۳۹۰، ۷). هویت ملی ایرانیان برای نخستین بار بعد از ورود اسلام تولدی دیگر یافت (زاهد، ۱۳۸۴، ۱۳۲) و اندیشه ایران شهری (رضایی‌پناه، ۱۳۹۷، ۲۴۵-۲۴۶) در آن مطرح شد. از این رو، دوران صفوی تنها دورانی است که پس از ساسانیان اقتدار دولت مرکزی همراه با برقراری امنیت برای زمانی طولانی محقق می‌شود (حقیق و کامل‌نیا، ۱۳۹۸، ۱۲۹).



تصویر ۱. روند انجام پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

که شاه صفوی مقام خود را با مراسم دینی پیچیده‌ای تقویت کرد که با نمادها، زمان‌ها و مکان‌های مذهبی ویژه‌ای همراه بود (Elias, 2000, 255).

همان‌گونه که مطرح شد، جنبه‌ی دیگر دوگانه‌ی مذهب و قدرت مواجهه‌ی حکومت با اقلیت‌های مذهبی است. در این زمینه، دلاواله جامعه‌ی صفوی را باز و خالی از فشار مذهبی می‌داند (موسوی دالینی، مودت، موسوی و طباطبایی، ۱۳۹۵، ۱۳۸) و شاردن مردم ایران را دارای تسامح مذهبی معرفی می‌کند (زارعی مهرورز و مؤمنی، ۱۳۹۱، ۸۲). از طرف قدرت حاکمه نه در امور کلیساهای ارامنه دخالتی می‌شد و نه مانع از اعمال مذهبی آن‌ها می‌شدند (پورمحمدی املشی، ۱۳۹۲، ۸). تاورنیه نحوه‌ی برخورد شاه با ارامنه‌ی اصفهان را چنین توصیف می‌کند: «حق داشتن مال و چیزهای دیگر به آن‌ها داده شده است و شاه اجازه نمی‌دهد که هیچ‌کس نسبت به آن‌ها ذره‌ای بی‌عدالتی نماید» (تاورنیه، ۱۳۶۳، ۴۰۷). شاه خود را پدر ارامنه‌ی ایران می‌دانست (فلسفی، ۱۳۵۳، ۲۱۸). عدم سختگیری و مدارا نسبت به این قبیل اقلیت‌ها در عصر صفویه قابل توجه بوده و نمودی بارز از تساهل و مدارای مذهبی است.

- قدرت-فضای جمعی

مشروعیت ملی و مذهبی در عصر صفوی زمینه‌ساز روابط اجتماعی و سیاسی جدیدی شد که بازتولید آن در ساختار شهرهای عصر صفوی و به‌ویژه پایتخت متأخر آن‌ها، اصفهان، قابل‌رؤیت بوده و هست. این امر شهر را به کانونی برای بروز گردهمایی‌ها و رویدادهایی بدل می‌کند که با خواست حکومت سامان یافته‌اند. در واقع رویکرد ساختار قدرت و نیاز به فضاهای مناسب برای برگزاری باشکوه مراسم حکومتی به شکل‌گیری اماکن و فضاهای جمعی ختم می‌شود. این اماکن مدنی، با مقیاسی بزرگ (Collins & Stadler, 2020)، عرصه و تجلیگاه قدرت سیاسی و اجتماعی (کمانرودی کجوری، کرمی و عبدی، ۱۳۸۹، ۱۰) و بستر فعالیت‌های پیونددهنده‌ی اجتماع هستند (Carr, Francis, Rivlin & Stone, 1992). همچنین یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم جامعه‌ی مدنی این است که انسان به‌واسطه‌ی حضور در این اماکن «خود» اجتماعی‌اش را به‌طور مستمر در آن‌ها بازتعریف می‌کند (براتی و خادمی، ۱۳۹۷، ۲۰). لذا، با توجه به جنبه‌های اجتماعی عموم چنین فضاهایی، در مواجهه‌ی سیستم قدرت با شهر، این اماکن اغلب اولین جاهایی هستند که می‌توان نمایش قدرت را در آن مشاهده کرد. ایدئولوژی، به‌منزله‌ی نرم‌افزار قدرت، از سوی یک طبقه یا گروه اجتماعی مسلط برای نظم‌بخشی و ایجاد مشروعیت در ساخت فضا به کار می‌رود (لشگری تفرشی، رضایی و کاویان‌پور، ۱۳۹۶، ۵۴). در واقع، مبنای تولید فضاها در شهر اندیشه‌ی حاکم بر آن‌هاست. تولید فضای عمومی عرصه‌

تعاملات اجتماعی ریشه دارد (نوابخش و کریمی، ۱۳۸۸، ۴۹). تعامل جامعه‌ی شهرنشین اصفهان عصر صفوی با حاکم در بالاترین سطح خود قرار داشته است. این ارتباط خود را به صورت‌های مختلف قرارگیری دولت‌خانه در شهر، حضور شاه در مراسم مختلف، و عاملیت وی در برگزاری آن‌ها نشان داده است. این قبیل مراسم به‌دفعات در گزارش سفرنامه‌نویسان این دوران ثبت شده‌اند. استقبال از شاه (Sherley, 1972)، استقبال از سفرا (فیگوئروا، ۱۳۶۳)، جشن شاطر (شاردن، ۱۳۳۶، ج. ۵)، بازی‌های میدانی نظیر چوگان (همان، ج. ۳)، و جشن آب‌پاشان (فیگوئروا، ۱۳۶۳)، نمونه‌هایی از این قبیل رویدادها هستند. اوج این ارتباط مربوط به دوران شاه عباس اول است که به‌علت علاقه‌ی وافر وی به قلمرو عمومی (روحی، ۱۳۹۷، ۱۵۱) به‌شکل حضور روزانه در میدان شهر، بازار، و انجام امور حکومتی در میان مردم بروز می‌یافت (دلاواله، ۱۳۸۴). از این رو، جامعه‌ی دوره‌ی صفوی جامعه‌ای بود منعطف (طهماسبی، ۱۳۹۷، ۱۵۵) و با تحرک اجتماعی بود و مردم و حاکم بیشترین میزان مواجهه را با یکدیگر داشتند و حکومت به‌منظور همراه کردن مردم با خود نقش پررنگ و تعیین‌کننده‌ای به آن‌ها می‌داد.

- قدرت-مذهب^۲

مؤلفه‌ی مذهب در عصر صفوی نقشی بسیار پررنگ دارد و عنصری چندوجهی و شکل‌دهنده به ماهیت حکومت و روابط میان دولت و مردم است؛ پس در اینجا منظور از مذهب محدود به تشیع نیست و نحوه‌ی مواجهه‌ی حاکمیت با سایر مذاهب نظیر ارامنه مسیحی نیز در این برهه‌ی تاریخی قابل توجه است. صفویان، در آغاز حکومتشان، اساس نفوذ و توسعه‌ی درون‌سرزمینی خود را بر مذهب قرار دادند. شاه اسماعیل صفوی، با خطبه‌ای که در ابتدای سلطنت در مسجد جامع تبریز خواند (بی‌نا، ۱۳۵۰، ۶۴)، مذهب شیعه را به‌منزله‌ی عنصری پراهمیت در مناسبات قدرت صفوی مطرح ساخت. انتخاب تشیع به‌عنوان مذهب رسمی، جایگاه مذهبی شاه و مناصب دینی نظیر «صدر الاسلام» (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۲۱)، موقعیت ویژه‌ی علما و فقهای دینی در دربار و در میان مردم (انصاری، ۱۳۷۸، ۱۳۱)، رونق دانش‌های مذهبی (امامی و غلامی، ۱۳۹۶، ۴۳)، و در نهایت توسعه‌ی مذهب در جامعه با برگزاری مراسم مختلف مذهبی با عاملیت شاه، نظیر عزاداری محرم (دلاواله، ۱۳۸۴؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳) و عید قربان (دلاواله، ۱۳۸۴؛ کمپفر، ۱۳۶۳)، لایه‌های مختلف تسامح قدرت با مذهب در این دوران را شکل می‌دادند. یکی از رویکردهای مهم حکومت در اعمال چنین سیاست‌های مذهبی‌ای مدیریت رفتارهای اجتماعی به‌منظور تثبیت قدرت و بقای بیشتر آن است (اسماعیلی، احمدی و صفت‌گل، ۱۳۹۲، ۱۴۵). شاردن به این موضوع اشاره دارد

عصری تعیین‌کننده در جریان مواجهه سه کانون قدرت، مردم و مذهب است و مداخله حاکمیت در شهر بیشتر با تغییر در شکل و شبکه فضاهای جمعی محقق می‌شود، تا از این رهگذر بتواند بستر مورد نیاز مواجهه مذکور و یکدستی در سطوح مختلف جامعه تحت امر را فراهم آورد.

• فضای جمعی؛ واصل دولت و ملت

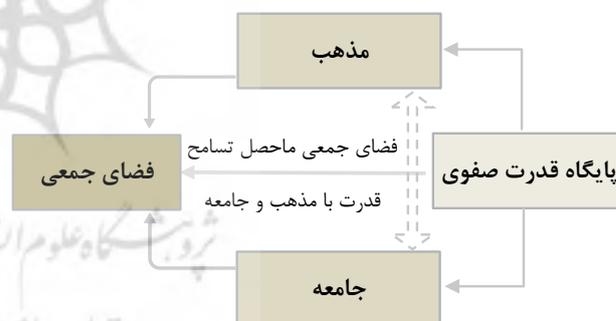
وجود بخش‌هایی به‌عنوان دولت‌خانه و فضای حکومتی در اصفهان عصر صفوی وجهه سیاسی شهر را تقویت کرده بود. اتصال این فضاهای حکومتی و شهر نحوه مداخله حکومت در آن را تحت‌الشعاع خود قرار می‌داد. این از آن رو بود که فضاهای جمعی، به‌مثابه حاصل تعامل قدرت و اجتماع، همچون حلقه واصل شهر شاهی و مردم عمل می‌کردند و ارتباط میان دولت و ملت را تأمین می‌کردند. کاخ‌های متعلق به دربار صفوی عموماً در محوطه‌ای محدود بین میدان نقش جهان، خیابان چهارباغ، و ساحل زاینده‌رود متمرکز بودند (اهری، ۱۳۹۱، ۳۰). بنابراین میدان حکومتی صفوی محل پیوند حکومت و مردم شده بود و به‌منزله جزئی از ساختار شهر در دسترس عموم مردم قرار داشت (تصویر ۳) (آقابرگ و متدین، ۱۳۹۴، ۲۷). از طرفی، درهم‌تنیدگی مفهوم مشروعیت شاه و رفاه در قالب ترکیب فضایی چهارباغ شاهی، که به روی عموم مردم گشوده بود (معتدی‌مهر و رحمت، ۱۳۹۰، ۸۷)، خیابان چهارباغ را به‌منزله نقش واصل و محوری در ارتباط دولت‌خانه و شهر عرضه می‌داشت (تصویر ۴) و آن را، به همراه رودخانه زاینده‌رود، جزو دو محور اصلی شهر می‌کرد (Haghighatbin, Ansari, Steenbergen & Taghvaei, 2012, 83). بدین ترتیب، فضای میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ مجموعه فضاهای جمعی‌ای را شکل می‌دادند که به‌منزله زنجیره‌ای کالبدی-عملکردی در اصفهان عصر صفوی نقش ایفا می‌کردند، و تحقق بازنمایی رویدادهای جمعی میان دولت و مردم و

رقابت و منازعه گروه‌های فعال با ایدئولوژی‌های آشتی‌ناپذیر است و تعامل مبتنی بر قدرت و قرارداد اجتماعی بر آن حاکم است (Mitchell, 1995, 115).

یافته‌ها

ماحصل آنچه به‌عنوان تعاملات قدرت با سایر نهادهای تحت سلطه مورد بررسی قرار گرفت پیدایش مفاهیم جدید در بنیان کالبدی و اجتماعی اصفهان عصر صفوی است. این نتایج عمدتاً در قلمرو عمومی معنا می‌یابند و، به‌منزله نقطه عطفی در تاریخ شهر و شهرنشینی ایران، ماهیت اجتماعی و رابطه انسان با شهر را دگرگون می‌کنند.

• فضای جمعی؛ ماحصل تسامح قدرت با جامعه و مذهب
ارتباط قدرت با جامعه و ساختار مذهبی موجود رابطه‌ای دوسویه است که مبتنی بر مسئله وحدت شکل می‌گیرد. از این رو، در عصر صفوی نیز قدرت، با کنترل روابط و فعالیت‌ها، به خلق فضاهایی برای بروز رویدادها دست زد که هم در تسامح با اجتماع درون شهرند و هم نگاهی ویژه به مؤلفه مذهب دارند. لذا عمده فضاهای جمعی‌ای که در این دوران با عاملیت پایگاه قدرت ایجاد شدند نتیجه تسامح قدرت با مردم و مذهب‌اند (تصویر ۲). بر این اساس، فضای جمعی



تصویر ۲. تسامح قدرت با مذهب و جامعه و نتیجه آن در شکل‌گیری فضای جمعی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. خیابان چهارباغ در اواخر دوره قاجار. مأخذ: <http://www.negarestan.info>.



تصویر ۳. نمایی از میدان نقش جهان در دوران ضل‌السلطان. مأخذ: <http://www.iichs.ir>.

جمعی زمینه‌ساز دگرگونی بنیادین در عملکرد پل‌های شهری می‌شود. پل الله‌وردی‌خان، با نقش ساختاری‌ای که در شهر دارد، به فضای جمعی مهمی بدل می‌شود و ماهیتی جدید از پل شهری را به منصه ظهور می‌گذارد که، علاوه بر کارکرد گذر، بستر بروز بخشی از فعالیت‌های جمعی در اصفهان عصر صفوی می‌شود. البته جغرافیای ویژه اصفهان، هم‌جواری با رودخانه زاینده‌رود، و گسترش شهر به فراسوی رودخانه نیز امکان شکل‌گیری این قبیل پل‌های شهری را فراهم کرده، پس نقش مهم این پل در منظر شهری اصفهان نتیجه این جغرافیاست. تحول در نظام عملکردی پل الله‌وردی‌خان با مطرح‌شدن مقوله هویت ایرانی و مذهبی، همراه با تسامح قدرت در گستره حکومت صفویان، با تداوم آن در برگزاری گردهمایی‌های مختلف مردمی، و شکل‌گیری فضاهای جمعی در شهر آغاز می‌شود. از طرف دیگر، رونق راه‌سازی و ابنیه وابسته به آن نظیر کاروانسرا در این عصر و تعدد پل‌های احداث‌شده و نحوه مداخله در کارکرد آن‌ها اثرگذار است. **تصویر ۵** سیر مطالعاتی این مبحث را از دو جنبه تحول پل‌سازی و شکوفایی فضای جمعی بازنمایی می‌کند.

پل الله‌وردی‌خان، به واسطه تحول کارکرد و موقعیتی که در شهر اصفهان داشت، از جایگاهی کانونی در مناسبات قدرت و اجتماع و از نقشی مهم در بنیان شهری اصفهان عصر صفوی برخوردار بود (**تصاویر ۶ و ۷**). امتداد فضاهای جمعی میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ، که در واقع فضاهای واصل دولت و ملت و شهر مردم و شهر شاهی بود، اتصال دو بخش مجزای مذهبی شهر (محل جلفا به منطقه مسلمان‌نشین) (**تصویر ۸**)، برگزاری رخدادهای اجتماعی (نظیر جشن آب‌پاشان) بر بستر آن با حضور یا بدون حضور شاه، و برگزاری مراسم مذهبی و اقلیتی (نظیر خاج‌شویان)، این بنا را به عنصری فراتر از فضایی جمعی،

مواجهه همراه با تسامح آن‌ها در این قبیل فضاهای واصل را نشان می‌دادند.

• فضای جمعی؛ بستر توازن اجتماعی در رویدادهای جمعی

با توجه به اسناد و گزارش‌هایی که در سفرنامه‌های دوران صفوی در باب رویدادها و گردهمایی‌های اجتماعی در فضاهای جمعی آمده است، این قبیل مراسم عموماً با حضور اقشار مختلف مردم از گروه‌های متنوع اجتماعی رخ می‌دهد است؛ لذا، در بسیاری از رخدادهای این دوره، طبقه‌بندی اجتماعی در تحقق حیات جمعی و مدنیت شهری نقشی نداشته است. البته جایگاه و نقش ویژه شاه و درباریان در فضاهای جمعی، که اقتضای حکومت و نظام سلطه‌گری آن دوران است، همواره منفک از مردم گزارش شده است؛ اما سایر طبقات را که از جایگاه‌های متنوعی بهره‌مند بودند در بسیاری از فضاهای جمعی می‌توان در یک طبقه مشاهده کرد. به علاوه، برپایی جشن‌های مختلف سایر ادیان، نظیر جشن خاج‌شویان آرامنه، در بستر زاینده‌رود و پل الله‌وردی‌خان با حضور شاه در این مراسم بیش از همه معرف آزادی اقلیت‌های دینی در برگزاری مراسم و بهره‌بردن از امکان حیات در فضاهای جمعی شهر است. یکی دیگر از نمونه‌های بارز توازن اجتماعی گردهمایی مردم در مراسم حکومتی جشن آب‌پاشان است که در بستر پل الله‌وردی‌خان رخ می‌دهد و به شکل حضور طبقات مختلف مردم، با لباس مبدل و فارغ از جایگاه اجتماعی در کنار یکدیگر و در جوار شاه، بازنمایی شده است. در **جدول ۲** شرحی بر رویدادهای دوره صفوی با نگرش توازن اجتماعی آمده است:

• پل الله‌وردی‌خان؛ از فضای جمعی تا ترجمان فضایی تسامح قدرت

مواجهه قدرت با سایر نهادها و نگرش حکومت به فضاهای جدول ۲. بروز توازن اجتماعی در رویدادهای عصر صفوی. مأخذ: نگارندگان.

منبع	شیوه بروز توازن اجتماعی	محل رویداد	متولی	مراسم
فیگوتروا (۱۳۶۳)	حضور مردم از طبقات متنوع اجتماعی برای تماشا و شرکت در مراسم با لباس‌های مبدل و متفاوت با عرف اجتماعی	- پل الله‌وردی خان - خیابان چهارباغ	شاه	آب‌پاشان
دلواله (۱۳۸۴)	برگزاری جشن‌های آیینی سایر مذاهب و استقبال شاه از رخدادهای مشابه آن	پل الله‌وردی خان	مردم	خاج‌شویان
دلواله (۱۳۸۴) کمپفر (۱۳۶۳)	حضور قشرهای مختلف مردمی از محلات گوناگون در یک تجمع و بهره‌مندی یکسان از برگزاری مراسم	قلمرو عمومی شهر	شاه	عید قربان
دلواله (۱۳۸۴) فیگوتروا (۱۳۶۳)	شکل‌گیری دسته‌های عزاداری از گروه‌های مختلف مردم و حضور همگی آن‌ها در کنار یکدیگر در فضاهای شهر	قلمرو عمومی شهر	- شاه - مردم	عزاداری محرم
تاورنیه (۱۳۶۳)	شکل‌گیری فضای عمومی سبز و امکان دسترسی عموم مردم برای بهره‌وری از آن و ایجاد موضوعیت تفریح	- باغ‌های عمومی - خیابان چهارباغ	مردم	گردش در باغات
تاورنیه (۱۳۶۳) شاردن (۱۳۳۶)	حضور گروه‌های مردمی و طرح مباحث اجتماعی و سیاسی با آزادی و دامنه وسیع آن	قهوه‌خانه‌ها	مردم	اجتماعات قهوه‌خانه‌ای ^۳

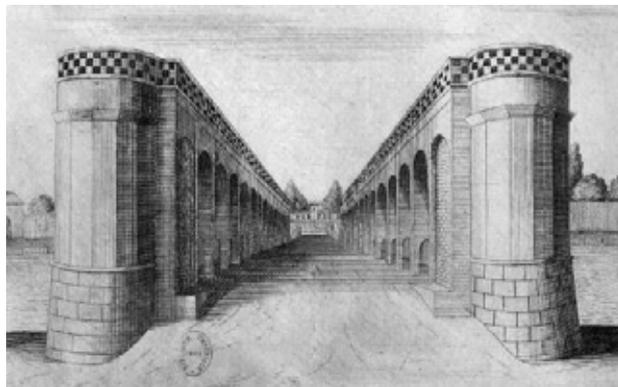
و میان این سه رکن موازنه برقرار کرده است. از طرف دیگر، به جهت حضور اقشار مختلف مردم و اتصال کانونی نیروهای مختلف جامعه فارغ از طبقه‌بندی اجتماعی (مطابق آنچه در گزارش سفرنامه‌ها آمده)، پل الله‌وردی‌خان به‌منزله هسته اصلی برقراری توازن اجتماعی در اصفهان عصر صفوی عمل کرده است (تصویر ۹).

نتیجه‌گیری

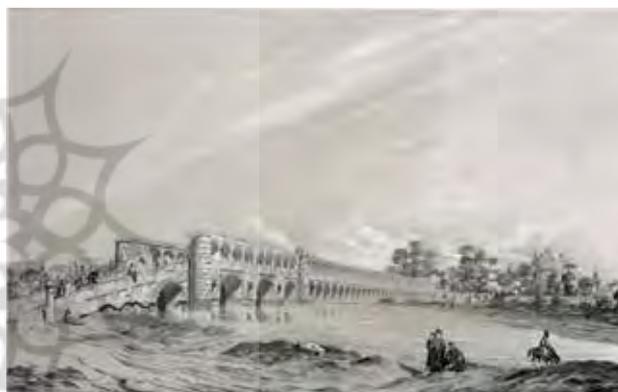
قدرت در عصر صفوی نیرویی مولد و محرک بود که، با تسری یافتن در بخش‌های مختلف ساختار اجتماع، مدنیت و تعاملات دوسویه را در شهر فراهم آورد. صفویان، به‌منزله پایگاه قدرت و حکومتی با ارکان ملی و مذهبی، به‌جای تعارض با نیروهای اجتماعی و بزرگ‌نمایی تضاد منافع با سایر کانون‌های قدرت در شهر، با آن‌ها تسامح کرده و سعی در ایجاد توازن میان نیروهای مختلف داشته‌اند. ماحصل این امر تحولات عمیق و ساختاری در حوزه‌های مختلف نظیر روابط اجتماعی، مذهبی و سیاسی بوده و باز نمود کالبدی و فضایی‌اش بخش صفوی شهر اصفهان است، شهری با توسعه مدنی و سرآمد در تاریخ معماری و شهرسازی ایران. یکی از مصادیق مهم این بازتاب فکری در شهر فضاهای تجمعی و تفرجی‌ای هستند که در گونه‌های مختلف و متعدد تا به امروز پابرجا مانده‌اند.

در جریان این تحولات، پل الله‌وردی‌خان به‌صورت ضمنی جایگاهی کانونی در ساختار شهری اصفهان پیدا می‌کند. به قیاس میدان نقش جهان، که به شکلی عیان و آشکار توازن میان ارکان هندسه قدرت در عصر صفوی را به نمایش می‌گذارد، پل الله‌وردی‌خان این جایگاه را با ساختاری درونی و در لوای ارتباطات لایه‌های مختلف جامعه، دولت و مذهب ارائه می‌دهد. تقسیم‌بندی مذهبی شهر، برگزاری مراسم اقلیت مذهبی شهر (نظیر خاج‌شویان)، جشن‌های ملی با حضور شاه (نظیر آب‌پاشان)، امتداد فضای جمعی خیابان چهارباغ بر روی رودخانه زاینده‌رود، و کارکرد زنانه پل در برخی از ایام سال، زمینه لازم را برای بدل شدن پل به کانون اجتماعی مذهبی و سیاسی شهر ایجاد می‌کند. لذا این پل، که در ابتدا با تحول کارکرد از گذر صرف به فضای تجمعی و تفرجی بدل شده بود، در تحلیلی جدید به کانون تسامح قدرت با اجتماع، مذهب و شهر در اصفهان عصر صفوی تبدیل می‌شود. پل الله‌وردی‌خان در طول تاریخ ۴۰۰ ساله خود همواره به‌جهت نقش پررنگ اجتماعی‌ای که داشته است جایگاه کانونی خود را در ساختار شهر اصفهان حفظ کرده و تا به امروز یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری برای بروز رفتارهای گوناگون اجتماعی و باز نمود حیات جمعی در شهر اصفهان بوده است.

با نقشی حیاتی و کانونی در شهر، بدل کرده است. بر همین اساس، این پل نمود عینی و قابل توجه تسامح قدرت با مردم و مذهب در بستر فضای جمعی در شهر است،



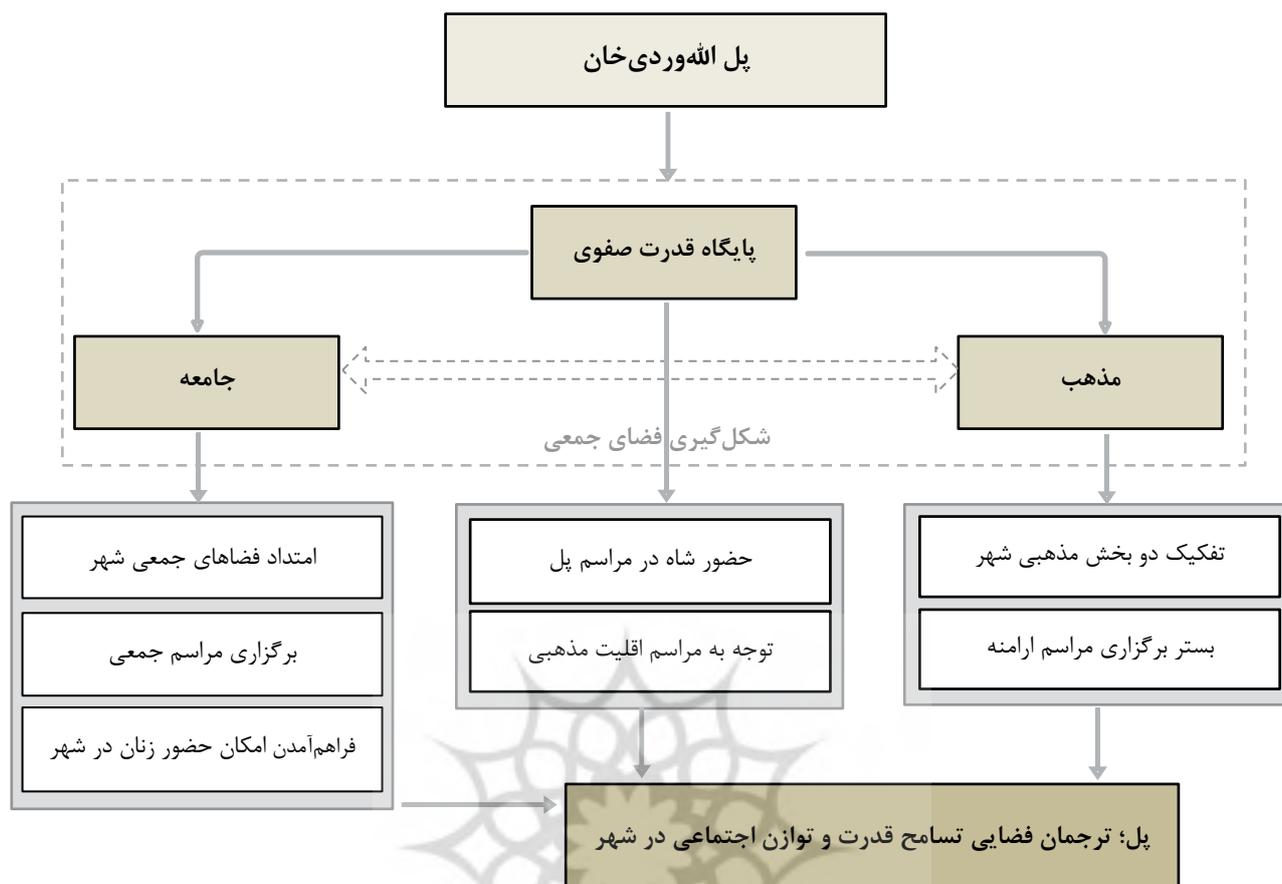
تصویر ۶. نقاشی پل الله‌وردی‌خان. مأخذ: شاردن، ۱۳۳۶، ج. ۳.



تصویر ۷. پل الله‌وردی‌خان. مأخذ: Flandin & Pascal, 1851.



تصویر ۸. موقعیت پل الله‌وردی‌خان در اصفهان عصر صفوی: نقطه کانونی شهری در مناسبات قدرت و برقراری توازن میان آن‌ها. مأخذ: پاکزاد، ۱۳۹۰.



تصویر ۹. پل الله ووردی خان در نسبت با گفتمان و تسامح قدرت در شهر. مأخذ: نگارندگان.

پی نوشت

۱. آنچه در این پژوهش در خصوص تعامل، تسامح، و رشد مدنی در دوره صفوی ارائه شده بیشتر مربوط به دوران شکوه این سلسله به ویژه در عهد شاه عباس اول است. از همین رو، و با توجه به پیچیدگی‌های سیاسی دودمان صفوی با حکومتی ۲۳۵ ساله، مناسبات قدرت با چنین رویکردهایی را نمی‌توان به کل این دوره تعمیم داد. بحث ما بیشتر به بخشی از تاریخ صفوی مربوط است که حاصل آن شکل‌گیری ابنیه مهم و کانونی از جمله میدان نقش جهان و پل الله ووردی خان است.

۲. واژه «مذهب» در این پژوهش، علاوه بر مفهوم شاخه‌ای از دین (مثلاً مذهب تشیع)، که بیشتر مأخوذ از علم کلام است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۰)، مفهوم دین در نوع خاصی از تجلی آن در میان پیروانش را نیز دربرمی‌گیرد. اما «دین»، در ازای religion مفهوم فراگیری است که به کلیت دین قبل از تجلی خارجی‌اش تعلق می‌گیرد (شجاعی‌زند، ۱۳۷۸، ۲۵۴). «دین» کاربردی عام دارد و «مذهب» کاربردی خاص، پس در عمل این دو با یکدیگر منافاتی ندارند. عبارتی نظیر «تسامح مذهبی بین مسلمان و مسیحیان» از نمونه‌های کاربرد این واژه است و در پژوهش‌های مشابه در خصوص دوران صفویه نیز استعمال می‌شود.

۳. هم‌زمان با غرب و به‌طور خاص همچون انگلیس، حوزه عمومی در دوره صفویه در قهوه‌خانه‌ها بیشترین بروز و ظهور را داشت. در «تذکره نصرآبادی» تصویری که از قهوه‌خانه‌ها ارائه می‌شود جایی است شبیه به مراکز ادبی که قهوه‌نوشی و نوشتن‌هایی که بعداً از جمله محرمات شدند در آن رواج داشته‌اند. همچنین از حضور شعرا و طرح مباحث اجتماعی و سیاسی در آن‌ها یاد شده است. شاردن هم از آزادی و دامنه وسیع آن در قهوه‌خانه‌ها می‌نویسد و بر آن است که این آزادی در هیچ جای دنیا وجود ندارد.

فهرست منابع

- آقابزرگ، نرگس و متدین، حشمت‌الله. (۱۳۹۴). خاستگاه نظری میدان نقش جهان. *باغ نظر*، ۱۲(۳۳)، ۲۳-۴۰.
- اسکندر بیگ منشی. (۱۳۷۷). *تاریخ عالم‌آرای عباسی* (تصحیح محمداسماعیل رضوانی). تهران: دنیای کتاب.
- اسماعیلی، محبوبه؛ احمدی، زهت و صفت گل، منصور. (۱۳۹۲). بررسی کارکردهای مختلف مساجد در عصر صفویه. *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، ۴۶(۲)، ۱۴۵-۱۷۲.
- اشراقی، احسان و علوی، نصرت‌خاتون. (۱۳۹۰). تجدید وحدت سیاسی-ملی و مذهبی ایرانیان در دوره صفوی. *مسکویه*، ۶(۱۶)، ۷-۲۴.
- اکوانی، حمدالله. (۱۳۹۷). دو چهره قدرت در گفتمان سیاسی دوره صفوی. *مطالعات تاریخی جنگ*، ۲(۴)، ۱-۲۶.
- امامی، سیده مریم و غلامی، فرود. (۱۳۹۶). نگاهی به فراز و نشیب علوم در دوره صفوی. *آفاق علوم*، ۱(۲)، ۴۴-۵۳.
- انصاری، ابراهیم. (۱۳۷۸). *نظریه‌های قشریندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- اهری، زهرا. (۱۳۹۰). شهر، جشن، خاطره؛ تأملی در نسبت فضاها و جشن‌های شهری در دوران صفویان و قاجاریان. *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۳(۴۷)، ۵-۱۶.
- اهری، زهرا. (۱۳۹۱). *مکتب اصفهان در شهرسازی (زیباشناسی*

- فروتن، منوچهر. (۱۳۸۸). تحلیلی از فضاهای شهری از تبریز ایلخانی تا اصفهان صفوی. هویت شهر، ۳(۴)، ۹۵-۱۰۶.
- فلسفی، نصرالله. (۱۳۵۳). زندگی شاه عباس اول (ج. ۳). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا. (۱۳۶۳). سفرنامه فیگوئروا (ترجمه غلامرضا سمیعی). تهران: نشر نو.
- کمانرودی کجوری، موسی؛ کرمی، تاج‌الدین و عبدی، عطالله. (۱۳۸۹). تبیین فلسفی-مفهومی جغرافیای شهر. ژئوپلیتیک، ۶(۳)، ۹-۴۴.
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر (ترجمه کیکاووس جهاننداری). تهران: خوارزمی.
- لشگری تفرشی، احسان؛ رضایی، محمدرضا و کاویان‌پور، گلشن. (۱۳۹۶). تبیین نظری کارکردهای قدرت سیاسی در فضای شهری. تحقیقات جغرافیایی، ۳۲(۲)، ۵۲-۶۵.
- لوفی، مهکام؛ سپهری‌مقدم، منصور و حبیب، فرح. (۱۳۹۶). بازشناسی مفهوم تعامل میدان و باغ‌های سلطنتی (دولت‌خانه‌های دوره صفویه): بررسی رابطه دوسویه فضای عمومی با قدرت متمرکز. مدیریت شهری و روستایی، ۱۶(۴۹)، ۴۹-۶۵.
- معتمدی‌مهر، اکبر و رحمت، دانیال. (۱۳۹۰). کنش‌های هندسه قدرت بر ساخت کالبدی فضاهای سلطنتی (مقدمه‌ای بر تبارشناسی مجموعه دولت‌خانه صفوی اصفهان). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۶(۱۷)، ۷۵-۹۰.
- منصوری، بهروز؛ حنایی، غزاله؛ دیبا، داراب و دباغ، امیرمسعود. (۱۳۹۹). تبیین تأثیر حکومت صفوی بر شکل‌گیری فضای جمعی در پل‌های صفوی اصفهان (نمونه موردی: پل‌های الله‌وردی‌خان و خواجه). نقش جهان، ۱۰(۱)، ۱-۹.
- موسوی دالبینی، جواد؛ مودت، لیدا؛ موسوی، سیده طاهره و طباطبایی، سید حسین. (۱۳۹۵). تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی (بررسی موردی: سفرنامه پیترو دلاواله). مطالعات تاریخ فرهنگی، ۷(۲۸)، ۱۲۳-۱۵۲.
- نوابخش، مهرداد و کریمی، فاروق. (۱۳۸۸). واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو. مطالعات سیاسی، ۲(۳)، ۴۹-۶۳.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۹۱). تضاد دولت و ملت؛ نظریه تاریخ و سیاست در ایران (ترجمه علیرضا طیب). تهران: نی.
- الهیاری، فریدون؛ ذهابی، مجتبی و کجیاف، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). تحلیلی بر بازتاب چرایی و چگونگی ابعاد و وجوه اعمال قدرت سیاسی شاه عباس در روایت‌های سفرنامه‌نویسان عصر صفوی. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۳(۲۵)، ۴۷-۶۶.
- Ardalan, N. & Bakhtiar, L. (1975). *The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture*. Chicago: Kazi Publications.
- Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. G. & Stone A. M. (1992). *Public Space*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Collins, D. & Stadler, S. L. (2020). Public spaces, urban. In Audrey Kobayashi (Ed.), *International Encyclopedia of Human Geography* (2nd ed.) (pp. 103-111). Elsevier.
- Elias, J. J. (2000). Sufi saints and shrines in Muslim society: Introduction. *The Muslim World*, 90(3-4), 253-258.
- Flandin, E. & Pascal, C. (1851). *Voyage en Perse*. Paris: Gide

- عناصر و فضاهای شهری، واژگان و قواعد دستوری). تهران: دانشگاه هنر.
- براتی، ناصر و خادمی، شهرزاد. (۱۳۹۷). فضاهای جمعی؛ ضرورت‌ها و موانع (نمونه موردی: چهارراه ولی عصر تهران). منظر، ۱۰(۴۴)، ۱۸-۲۳.
- بی‌نا. (۱۳۵۰). *عالم‌آرای صفوی (تصحیح یدالله شکر)*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۰). تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران؛ از آغاز تا دوران قاجار. تهران: آرمان‌شهر.
- پورمحمدی املشی، نصرالله. (۱۳۹۲). کاربرد تاریخی فرامین شاهان صفوی در باب آرامنه. مطالعات تاریخ فرهنگی، ۴(۱۶)، ۱-۲۰.
- تاورنیه، ژان باپتیست. (۱۳۶۳). *سفرنامه تاورنیه (ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی)*. اصفهان: کتابخانه سنایی.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۷). مکتب اصفهان در شهرسازی. هنرهای زیبا، ۳(۹۹۵)، ۴۸-۵۳.
- حسن‌شاهی، میمنت. (۱۳۹۵). هنر و قدرت در عصر صفوی. رساله منتشرشده دکتری تاریخ. دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران.
- حقیر، سعید و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۸). نظریه مدرنیته در معماری ایران: تهران: فکر نو.
- حقیقی بروجنی، ثمر؛ یزدان‌فر، عباس و بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۶). مداخلات طبقه قدرت و تأثیر آن بر ساختار شهر اصفهان در دوره شاه عباس صفوی. تحقیقات اجتماعی، ۷(۲)، ۴۹-۶۷.
- دلاواله، پیترو. (۱۳۸۴). *سفرنامه پیترو دلاواله (ترجمه شجاع‌الدین شفا)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱). *لغت‌نامه دهخدا (ج. ۳۰)*. تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغت‌نامه دهخدا.
- رضایی‌پناه، امیر. (۱۳۹۷). مبانی ساخت‌یابی هویت سیاسی-اجتماعی ایرانیان در عصر صفوی (سیری از هویت‌پردازی تا آن‌کرونوسیم). تاریخ اسلام، ۱۹(۷۵)، ۲۴۵-۲۸۰.
- روحی، زهره. (۱۳۹۷). *اصفهان عصر صفوی: سبک زندگی و ساختار قدرت*. تهران: امیرکبیر.
- زارعی مهرورز، عباس و مؤمنی، محسن. (۱۳۹۱). نخبگان ایران عصر صفوی از دیدگاه شاردن (از اواخر دوره شاه عباس اول تا اوایل دوره شاه سلیمان). جستارهای تاریخی، ۱۳(۱)، ۶۵-۹۱.
- زاهد، سعید. (۱۳۸۴). *هویت ملی ایرانیان. راهبرد یاس، ۲(۴)*، ۱۲۹-۱۳۸.
- سانسون، نیکلا. (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون؛ وضع اجتماعی کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی (ترجمه تقی تفضلی)*. تهران: ابن‌سینا.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۸). *ایران عصر صفوی (ترجمه کامبیز عزیزی)*. تهران: مرکز.
- شاردن، ژان. (۱۳۳۶). *سفرنامه شاردن (ترجمه محمد عباسی)* (ج. ۳ و ۵). تهران: امیرکبیر.
- شجاعی‌زند، علی‌رضا. (۱۳۷۸). *تعریف دین و معضل تعدد. نقد و نظر، ۵(۳)*، ۲۳۴-۲۹۷.
- طهماسبی، ساسان. (۱۳۹۷). *بررسی تحرک اجتماعی و شایسته‌سالاری در دوره صفویه (با تکیه بر نهاد وزارت)*. *مطالعات تاریخ اسلام، ۱۰(۳۷)*، ۱۵۵-۱۹۲.

ET J. Baudry.

- Haghghatbin, M., Ansari, M., Steenbergen, C. & Taghvaei, A. (2012). Innovations in the Charbagh axis of the Safavid period. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 22(2), 79-90.
- Mitchell, D. (1995). The end of public space? People's park, definition of public and democracy. *Annals of the Association of American Geographers*, 85(1), 108-133.
- Newman, A. J. (2006). *Safavid Iran: Rebirth of a Persian*

Empire. London: I. B. Tauris.

- Olearious, A. (1669). *The Travels of John Albert de Mandelslo* (J. Davies, Trans.). London: J. Starky, t. Basset.
- Pourjafar, M., Amini, M., Varzaneh, E. H. & Mahdavejad, M. (2014). Role of bazaars as a unifying factor in traditional cities of Iran: The Isfahan bazaar. *Frontiers of Architectural Research*, 3(1), 10-19.
- Sherley, A. (1972). *Sir Antony Sherley, His Relation of His Travels in Persia*. Hants: Gregg International.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

حنایی، غزاله؛ دیبا، داراب و عابدینی، حامد. (۱۴۰۰). ترجمان فضایی تسامح قدرت در اصفهان عصر صفوی (مطالعه موردی: پل اللهوردی خان). *باغ نظر*، ۱۸ (۹۸)، ۲۱-۳۲.

DOI: 10.22034/bagh.2020.246983.4655
URL: http://www.bagh-sj.com/article_133046.html

